

■ حمید ضرابی

# نوروز همیشه زنده

گفت و شنود اختصاصی با:

## داکتر اسدالله شعور پژوهشگر و کارشناس فرهنگی



را که شروع آن هنگام برداشت محصولات زراعتی و بقیه‌اش زمان استراحت و خانه‌نشینی بود، فصل سرما نام گذاشتند و مقرر داشتند که نخستین روز هردو فصل با مراسم‌هایی ویژه تجلیل گردند که جشن اولی را نوروز و دومی را که اول میزان یا مهرماه بود، مهرگان نام نهادند. چون می‌دانیم که نخستین یا قدیمترین شاخه‌ی آریاییان که باشند دهات گردیده و به کشاورزی پرداختند، تاجیکان بودند که به نام دهگان یعنی صاحب ده معروف گردیدند و تا به امروز نیز عنوان اصلی آنها دهگان است که واژه‌ی دهقان معرب آنست و به مفهوم مطلق کشاورز تغییر معنا داده است؛ در حالیکه تا به همین امروز نیز بسیاری از پشتون‌های افغانستان و پاکستان تاجیکان را دیگان می‌خوانند و واژه‌ی تاجیک که بسیار بعد توسط ترکان برین قوم اطلاق یافته است؛ برای ایشان مفهومی ندارد و از سوی دیگر تاجیکان کوهی به‌ویژه پشه‌یی‌ها که زبان مخصوص به خود را نیز دارند، خویش را دیگان می‌خوانند و اسم پشه‌یی که توسط نورستانیان بر آنها اطلاق شده اکنون به عنوان اسم عام آنها مروج گردیده است. در حالیکه پشه‌یی در اصل واژه ایست به زبان کته یا کاتی نورستان که به مفهوم پسر کاکاست. چون این طایفه‌ی تاجیکان به علت تکلم به زبان محلی مخصوص به خود شان، در گذشته مانند نورستانیان و در عین موقعیت آنها که دارای مذاهب بدوی نیز بودند، توسط سطوح پایان عوام از پیکر عمومی کشور بیگانه‌تر تلقی شده و مورد اذیت و آزار جاهلان‌هایی قرار می‌گرفتند؛ از این رو مردم نورستان آنان را به خود نزدیکتر فکر نموده، پسر کاکا می‌خواندند که به زبان خود نشان پشه‌یی - با فشار در بخش نخست واژه - گفته میشود. و بعد ها دیگران نیز آنان را از زبان مردم نورستان پشه‌یی خواندند، در حالیکه عامه‌ی مردم پشه‌یی تا کنون نیز خود را دیگان = دهگان می‌خوانند نه پشه‌یی. پس به این اساس می‌توان گفت که

مورد پرداخته‌اند؛ چنانکه ابوعلی بلعمی وزیر دانشمند سامانیان (متوفی در ۳۶۳ هـ) در ترجمه‌ی تاریخ طبری، ابوریحان بیرونی (۳۶۲ - ۴۴۰ هـ) در التفهیم، عبدالحی گردیزی (متوفی در ۴۴۴ هـ) در زین الاخبار، حکیم ابوالقاسم فردوسی (وفات در ۴۱۱ هـ) در شاهنامه‌ی زوال ناپذیرش و عمر خیام (متوفی در ۵۱۷ هـ) در نوروزنامه، ذکری از آیین‌هایی دارند که به فرمان جمشید رایج گردیده و بزرگداشت از نوروز نیز یکی از آنهاست. چون می‌دانیم که پایتخت خانواده‌های پیشدادی و کیانی شهر بلخ افغانستان بوده است، پس برگزاری آیین‌های نوروزی و بزرگداشت از این روز نیز باید در این شهر باستانی بنیاد گذاشته شده باشد. این یادآوری و نذیرداد در حقیقت به رسمیت شناختن نوروز توسط دربار را نشان می‌دهد که برای بار نخست در بلخ صورت گرفته است؛ در حالیکه نوروز جشنی است که با طبیعت رابطه‌ی گسست ناپذیر دارد؛ از این رو سابقه‌ی تاریخی این جشن بایست بازهم بیشتر از این باشد، یعنی با زمانی پیوند داشته باشد که مردمان آریایی برای بار نخست تقویم را وضع کرده اند. در این صورت نیز خاستگاه این جشن باستانی را میتوان در قلمرو افغانستان امروزی جستجو کرد. در آن هنگامی که برخی از قبایل آریایی به مرحله‌ی انکشاف یافته‌تر ساختار اجتماعی رسیدند، یعنی با ترک حیات کوچیگری و خانه‌بدوشی در محلات معینی مقیم گردیده، دهات را به وجود آوردند و برای رفع مایحتاج خویش زمین را شخم زدند، ضرورت شناخت زمان برای زراعت و کشاورزی و دامپروری شان به میان آمد و آنها سال را به اساس زمان شخم‌زنی و حاصل برداری به دو فصل گرما و سرما تقسیم کردند. فصل آغازین سال را که هنگام رفع جمود زمستان، ترک خمود خانه نشینی و آغاز فصل تحرک و کار بود فصل گرما نامیدند و سر آغاز آن را نوروز خواندند و فصل سرما

نوروز جشنی است که نه تنها در کشورهای متعدد آسیا تجلیل می‌شود بلکه اکنون با سیر فزاینده‌ی مهاجرت‌ها در چندین دهه‌ی اخیر، ما شاهد تجلیل نوروز در اروپا، امریکا و کانادا نیز هستیم. این امر سبب شده است تا هر کشوری با سنت‌های محلی و بومی خویش از این آیین باستانی و مشترک تجلیل نماید. برای کسب آگاهی از خاستگاه اصلی نوروز و بحث پیرامون پاره‌ای از سنت‌های رایج در افغانستان، گفت و شنودی اختصاصی را با دانشمند و پژوهشگر توانا - آقای داکتر اسدالله شعور - ترتیب داده ایم که ضمن تشکر از ایشان شما را به خواندن آن دعوت می‌کنیم.

**آشیان - جناب آقای شعور از این که وقت تان را در اختیار ما و خوانندگان محترم قرار دادید از شما سپاسگزارم. اجازه دهید سؤال اول را در مورد خاستگاه اصلی نوروز مطرح کنیم، به نظر شما صرف نظر از مرزبندی‌های جغرافیایی کنونی، خاستگاه اصلی نوروز کجا میتواند باشد؟**

\* با امتنان از شما از این که این فرصت را برای بنده فراهم نمودید تا در خدمت هم میهنان عزیز باشم. نخست فرا رسیدن جشن باستانی نوروز و سال جدید خورشیدی را به خدمت شما و هم وطنان گرامی تبریک و تهنیت عرض نموده از خداوند متعال می‌خواهم که سال پر نعمت و پر برکتی داشته باشند. اما در مورد سؤال شما باید عرض نمود، تا آنجایی که اسناد موجود دینی و تاریخی نشان میدهد، آیین بزرگداشت از نوروز در عهد پادشاه پیشدادی یم یا جمشید و به دستور شخص او بنیاد گذاشته شده است. قدیمترین سندی که به این مطلب اشاره میکند، فرکرد دوم بخش و نذیرداد کتاب مقدس نیاکان ما اوستا ست. در عهد اسلامی نیز دانشمندان معروف ما در آثار معتبر شان به اشاره درین

دیگر براساس سایر ادیان آسمانی و فرستادگان آفریدگار بزرگ نیز مطرح ساختند؛ از جمله گفتند که درین روز گرامی چون خداوند بابا آدم را آفریده است، پس تجلیلش باید کرد و یا در همین روز کیومرث که در آیین آریاییان نخستین بشر به حساب می آید به پادشاهی رسیده است و کشتی حضرت نوح (ع) نیز در نوروز از طوفان نجات یافته است، نخستین وحی آسمانی در همین روز بر حضرت موسی (ع) نازل گردیده، حضرت عیسی (ع) در نوروز به پیامبری مبعوث شده، حضرت سلیمان (ع) در همین روز خاتم خود را که راز و رمز قدرتش شمرده میشد، پس از چهل روز باز یافته است و امثال اینها. ولی آنچه به نوروز جنبه‌ی اسلامی داده آنست که اهل تشیع عقیده دارند که واقعه‌ی غدیر خم که انتصاب حضرت علی (کرم الله وجهه) به امامت توسط پیامبر بزرگ اسلام (ص) است، در همین روز صورت گرفته است و اهل تسنن را باور برین است که آن حضرت در روز نوروز به خلافت رسیده اند؛ حال آنکه واقعه‌ی غدیر خم چهار - پنج روز پیش از نوروز روی داده و تکیه زدن حضرت شاه ولایت‌مآب بر مسند خلافت اسلامی در ماه جوزا واقع شده نه در نوروز. از آنجاییکه هیچ نیرویی مانع سیر و تطبیق افکار عامه - ولو نادرست هم باشد - گردیده نمیتواند؛ از این رو بنا بر این باور های عامیانه نیز نام نوروز با نام آن شخصیت بزرگ عالم اسلام گره خورده و مخصوصاً به دنبال اعمار مجدد مزار ایشان در ولایت بلخ افغانستان احترام به نوروز، حرمت گذاشتن به این شخصیت بزرگ تلقی شد. در بلخ نوروز با برافراشته شدن جهنده‌ی مزار پر انوار حضرت شاه ولایت‌مآب و در کابل با برافراشتن توغ مندوی و جهنده زیارت سخی رسمیت می یابد و هفت میوه نوروزی به نام نذر سخی مسمای می گردد و مراسم سمنک پزی نوروزی نیز با نام این خلیفه‌ی اسلام گره می خورد. در حالیکه این مراسم و عنعنات به شمول برافراشتن توغ مندوی به دوران های پیشین مرتبط است. بهر حال امروز دسته‌ی بزرگی از مراسم نوروزی در کشور ما جنبه‌ی

**باستانی و تاریخی است، همیشه از نوعی تقدس و معنویت نیز در فرهنگ ما برخوردار می باشد؛ علت این امر از نظر شما چی میتواند باشد؟ چنانکه در افغانستان نوروز و آغاز سال نو همیشه با برافراشته شدن جهنده‌ی سخی همراه بوده است.**

\* در اساس نوروز جشنی است که به هیچ یک از ادیان و مذاهب ارتباطی ندارد، بلکه به گونه‌یی که پیش از این یاد کردیم نوروز مستقیماً با طبیعت وابسته است، ولی از جهت آنکه این مناسبت پیش از انتشار دین مقدس اسلام در سرزمین ما توسط پیروان آیین زردشت تجلیل می گردید، برخی از روحانیون آیین جدید ما آن را وابسته با دین قبلی مردم تصویر کرده دست به تحریم آن زدند؛ ولی نه تنها که این جشن محبوب مردم از بین نرفت بلکه در زادگاه دین مقدس اسلام و سایر سرزمین های عربی و اسلامی نیز انتشار یافته خلفای مسلمان به ویژه امویان و عباسیان آن را شکوهمندتر از مردمان آریانای باستان تجلیل می کردند. تنها بخشی از سرود های مردم عرب در باره‌ی جشن های نوروز و مهرگان که در نامه های تبریکه‌ی شان به این مناسبت مورد استفاده قرار داشت کتاب قطوری شده که توسط دانشمند بزرگ عهد عباسی حمزه بن حسن اصفهانی گردآوری و به نام الانشعار السائره فی الیوروز و المهرجان تدوین یافته است که خوشبختانه امروز نیز بدسترس قرار دارد. با این هم کشاکش بین تنگ‌نظران تنک مایه و مردم همیشه در جریان بوده که آخرین نمود آن را در همین چهار پنج سال گذشته توسط طالبان بی فرهنگ شاهد بودیم. ولی در گذشته نه تنها مردم بلکه علمای جید اسلامی ما برای دفع این تنگ‌نظری ها در طی سیزده سده‌ی گذشته توجیحات دینی و اسلامی نیز برای نوروز پیدا کردند و نتیجه آن شد که به قول زنده یاد علامه صلاح‌الدین سلجوقی که در تقویم انسان قید نموده اند، مردم افغانستان نوروز را نیز مسلمان ساختند؛ در حالیکه می توان افزود که دانشمندان مسلمان ما نه تنها توجیحات اسلامی، بلکه توجیحاتی

شناخت تقویم و تعیین نوروز باید در داخل کشور ما و توسط دانشمندان این قوم صورت گرفته باشد.

**آشیان - آیین های نوروزی در حال حاضر علاوه بر افغانستان و ایران، در کدام کشور ها برگزار می گردد؟**

\* شما به خوبی می دانید که سرحدات اکثریت کشورهای امروزی آسیا در سده نهم میلادی توسط استعمارگران اروپایی و براساس منافع دراز مدت و خواسته آنها تعیین گردیده است؛ از همین روست که هیچ یک از این سرحدات طبیعی نیستند و به ویژه مرزهای سیاسی حوزه‌ی ما با مرزهای طبیعی آن که همان مرزهای دین و آیین و فرهنگ و زبان ماست، انطباق کاملی نداشته ما را در عمل دارای دو نوع سرحدات می سازد: سرحدات سیاسی و مرزهای فرهنگی. آیین های نوروزی به سان بسیاری از نمود های دیگر فرهنگی ما در گستره‌ی مرز های فرهنگی ما برگزار می گردد که در درازا از دشت های آسیای میانه شروع شده و به بخش های شمالی هند ختم می گردد و در پهنا از شمال غرب چین تا بخش های آغازین مرز های جنوب شرقی اروپا را در بر - می گیرد و به این ترتیب نوروز توسط مردمان هفده کشور افغانستان، ایران، تاجیکستان، کاشغر، یارکند و برخی نقاط دیگر ایالت سینکیانگ چین که اغلب تاجیک دری زبان و اویغور ترک زبان هستند، کشمیر و برخی نقاط پنجاب، گجرات، لکنهو، و اطراف اینها در هند؛ بسیاری نقاط پاکستان، قزاقستان، قزاقستان، اوزبیکستان، ترکمنستان، قفقاز، آذربایجان، ترکیه، بخش هایی از عراق و سوریه و در بسیاری از نقاط روسیه و اوکراین برگزار می گردد، و امروز توسط مهاجران افغانستان و ایران در سرتاسر جهان. شاید شبیه های برگزاری در این کشور ها از هم متفاوت باشند، ولی در کلیات تجلیل از نوروز و آغاز سال جدید هدف اساسی و عمومی این مراسم ها به حساب می آیند.

**آشیان - نو روز علاوه بر اینکه یک جشن**

**می دانیم که پایتخت خانواده های پیشدادی و کیانی شهر بلخ افغانستان بوده است، پس برگزاری آیین های نوروزی و بزرگداشت از این روز نیز باید در این شهر باستانی بنیاد گذاشته شده باشد.**

(داکتر اسدالله شعور)

روز نوروز در میان کبان  
می‌نهدند خسروان جهان  
شهد و شیر و شراب و شکر ناب  
شمع و شمشاد و شایه اندر خوان

### آشیان - شما که در زمینه کارهای پژوهشی

همیشه در جریان بوده اید؛ آیا در باره نوروز و حفظ و گردآوری اطلاعات و آثار تاریخی مربوطه در افغانستان به صورت منظم کاری صورت گرفته است و یا خیر؟

\* تا جاییکه بنده الله اطلاع دارد، نخستین پژوهش جدی در این زمینه توسط شادروان حافظ - نور محمد کهگدای سرمنشی حضور ظاهر شاه در سال ۱۳۵۱ صورت گرفت که در شماره های اول تا پنجم هفته نامه ی ژوندون همان سال زیر عنوان میله های نوروزی در وقت محمدزاییان به نشر رسید و نکات بسیار جالبی را از شیوه های تجلیل نوروز در کابل سده های نهم و بیستم بدست داده است. دومین تحقیق جدید توسط این قلم در همان سال صورت گرفت که یک سال بعد از آن در پیوست های کتاب ترانه های کهسار نگارنده در کابل به نشر رسید و در آن بیشتر به نکاتی تأکید شده بود که مباحث مرحوم کهگدای را تکمیل می کرد.

سومین، جدی ترین، فراگیرترین و زیباترین اثر تحقیقی در این زمینه از قلم توانای زنده یاد استاد عبدالاحمد جاوید در سالیان حاکمیت سپاه طالبانی برون آمده که نوروز را تحریم کرده بودند. این اثر زیبا که به شکل عام آن ترتیب داده شده تا همگان از تاریخ، علل برگزاری و شیوه های تجلیل نوروز در گستره ی فرهنگی ما به آسانی آشنا شده باشند بتوانند، نوروز خوش آیین عنوان دارد که در سالهای ۱۹۹۸ و ۱۹۹۹ م به همت انجمن فرهنگ افغانستان دو بار در فرانسه به زیور طبع آراسته گردید.

استاد در این کتاب ۱۰۸ صفحهای شیوه های تجلیل از نوروز را در سرتاسر جهان اسلام مورد شناسایی قرار داده از پیشینه تاریخی و سایر جنبه های آن به تفصیل و به صورت مستند سخن گفته اند. شاید مقالات زیاد دیگری نیز در این زمینه به نگارش در آمده باشد که به علت دوری از میهن و پراکندگی زندگی مهاجرت از آنها بی اطلاعم.

### آشیان - با تشکر مجدد از شما آقای شعور

/یاپان

زبانان سببی نامیده شد از آن برای کشت آزمایشی این حبوبات که عبارت بودند از گندم، جو، جواری، عدس، باقلا، ماش و ارزن استفاده می کردند. و یا اینکه کاشته های شان را برای تزئین و فیشش بر روی این سببی ها قرار می دادند؛ و از این جهت این آزمایشگاه را هفت سببی می خواندند که به مرور زمان اختصار یافته به هفت سبب. انکشاف تجارب کشاورزی دهقانان این رسم را دچار تغییر ساخته جنبه های تجربی آن به جنبه های تفنی مبدل گردید و به هفت چین یعنی هفت میوه ی چیده شده و هفت بشین تغییر شکل داد. ولی هفت سبب به شیوه امروز ایران باید پدیده ی جدید تر چه که مدرن تری باشد، چه در آثار شعرای متقدم با اسم هفت سبب بر نمیخوریم. قدیمترین شاعری که واژه ی هفت سبب را در شعرش آورده قآنی (۱۲۳۳-۱۲۷۰ق) شاعر عهد قاجار است که گفته:

سبب ساغر بس بود ای ترک ما را روز عید

گو نباشد هفت سبب نردان درد آشام را

این امر نشان میدهد که سفره ی هفت سبب به شیوه ی امروزی ایرانیان حد اکثر در سده ی نهم میلادی عرض وجود کرده است. چون این هفت سبب بیشتر جنبه ی نمادین و تزئینی دارد، چنین حدس زده می شود که مردمان پارس با آشنایی با فرهنگ اروپاییان این شیوه را در برابر درخت کرسمس ابداع کرده نام باستانی را بر آن نهاده باشند. ترکیب عناصر هفت سبب ایرانی نیز نشان می دهد که این رسم در بین گذشتگان به چنین صورتی رایج نبوده است. به قول شادروان اکادمسین جاوید موجودیت سرکه و سیر بدبو و سماق ترش در سفره ای که باید مرکب از شیرینی باب باشد، وصله ی ناجوربست و از نظر زردشتیان نیز این اشیا در چنین مناسبتی رنگ درستی ندارند و این نشان میدهد که صرف موجودیت حرف سبب در آغاز اینها باعث شمول شان در سفره ی نوروزی شده است.

بیتی از شاعر معروف سده ی دهم ابواسحاق شبرازی معروف به بسحاق اطعمه نشان میدهد که هفت میوه در زمان او در قلب پارس یعنی شیراز نیز مانند کشور ما مروج بوده؛ زیرا گفته است:

تا هفت میوه سرد شد و دلپذیر گشت

دلگرمی ام؛ جانب آن ناگزیر گشت

هفت شبن را که امروز ظرفای تاجیکستان بعضاً

بساط می چینند، شاعری چنین شمار داده است:

کاملاً" اسلامی یافته و در واقع یک اصل بسیار مهم فرهنگی مردم ما با دین امروزی شان آمیزش کامل یافته است که کسی را یاری آن نیست تا این دو را از هم جدا سازد، چنان که طی نیم قرن گذشته بسیار کوشش شد تا نام نوروز از خاطر مردم زدوده شود از این رو در تمام تقویم های رسمی دولت که طی این مدت توسط شادروان محمد ابراهیم قندهاری و بعداً توسط عزیزالدین خان و کیلی فوفلزایی استخراج و توسط وزارت اطلاعات و فرهنگ چاپ و پخش می گردید؛ نامی از نوروز را نمی بینیم، بلکه در عوض آن اول حمل را بنام جشن نهالسانی و بعد از اواخر دهه ی چهل به عنوان روز دهقان و جشن دهقان یاد می کردند. در حالیکه روز دهقان نظر به اقلیم مناطق مختلف از پانزدهم تا چهارم نوروز برگزار می گردد. با همه ی این تلاش ها نام نوروز از فرهنگ مردم حذف شده نتوانست و با همان شکوه و عظمت خود در سرتاسر کشور و توسط تمامی اقوام و ملیت های افغانستان تجلیل می گردد.

آشیان - یکی از رسم های نوروزی در افغانستان تهیه ی هفت میوه است. مشابه این رسم در ایران وجود دارد منتها به نام هفت سبب. از نظر شما تفاوت میان این دو چیست؟ و آیا این دو باهم در فلسفه و انگیزه مشترک نیستند؟

\* بلی بیخ و اساس این دو پدیده که امروز کاملاً از هم متفاوت اند، یکی است که با زندگی کشاورزی و دهقانی مردم رابطه ی تنگاتنگ داشته است. به گونه ای که دانشمند بزرگ مان ابوریحان بیرونی در آثار الباقیه عن القرون الخالیه تصریح نموده است که در ایام قدیم مردم آریانی بزرگ برای نوروز داخل تشتی جو می کاشتند، ولی بعد ها هفت نوع از غلات را بر هفت استوانه کشت می کردند که تا ایام نوروز سبز گردیده به نمو آغاز کنند و آنها از روی نمو و رشد این حبوبات تخمین می زدند که در آن سال کدام نوع آن حاصل خوب خواهد داد، تا به کشت آن یکی در زمین های شان اقدام نمایند. پس می بینیم که مادر هفت میوه ی نوروزی یا نذرسخی و هفت سبب لابرتوار یا آزمایشگاه دهقانان آریاناست که برای تعیین برنامه ی کشت و کار خویش آن را طرحریزی می کردند. با انکشاف صنایع و ورود ظروف چینی از کشور چین؛ ظروف مسطح تری در اختیار مردم قرار گرفت که به گفته ی زنده یاد استاد احمد جاوید به زبان عربی آن را صببی یعنی چینی می خواندند و این ظروف که در بین دری